

## دانلود مقاله بررسی مشارکت و جایگاه آن در تحقق پذیري طرح‌های احیاء بافت‌های با ارزش تاریخی

جهت مشاهده [دانلود مقاله بررسی مشارکت و جایگاه آن در تحقق پذیري طرح‌های احیاء بافت‌های با ارزش](#)

تاریخی به پایین همین صفحه مراجعه نمایید

تعداد صفحات : 23 صفحه

برای دریافت اینجا کلیک کنید

فرمت WORD قابل ویرایش



چکیده

بافت‌های تاریخی هسته و کانون اولیه شکل‌گیری شهرها و قلب تپنده آنها میباشند. این بافت‌ها گنجینه‌هایی از خاطرات جمعی و شیوه‌های زیستن گذشتگان را در خود حفظ کرده اند؛ لیکن در حال حاضر با مشکلات بسیاری دست به گریبان هستند که موجودیت و حیات آن‌ها را تهدید میکند، از این رو مداخله هر چه سریع‌تر در این بافت‌ها به منظور احیا و افزایش کیفیت زندگی در آنها لازم و ضروری است، اما نکته مهم این است که هر گونه مداخله در بافت‌های با ارزش تاریخی، مداخله در زندگی ساکنین آنها است. ارزش این بافت‌ها، تنها در عناصر کالبدی و ارزش‌های معماری خلاصه نمیشود، بلکه آن‌چه در این میان اهمیت بیشتری دارد، روح زندگی و فعالیت است که نیازمند احیا می‌باشد. این مقاله به دنبال آن است تا ضمن تبیین نقش شهروندان که عناصر اصلی سازنده هویت بافت‌های تاریخی هستند، ضرورت‌ها، منافع، معایب مشارکت و نیز با بررسی اجمالی نظریات مشارکت به ارائه راهبردهای کلی جهت تقویت نقش مشارکت شهروندان در تحقق پذیري طرح‌های احیا بافت‌های با ارزش تاریخی بپردازد. در این راستا بر مبنای پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر پایه تجربیات و پژوهش‌هایی که در زمان حاضر پیرامون مشارکت به ویژه در بافت‌های تاریخی مطرح گردیده، به تحلیل نمونه‌های موفق داخلی و جهانی به منظور دستیابی به راهبردهای عملی، پرداخته شده است. نتایج این پژوهش نشان دهنده این است که روند مشارکتی موفق در طرح‌های مربوط به بافت میباید، روندی سلسله مند و پویا باشد و به خوبی از قابلیت‌ها و فرصت‌های بافت در جهت پیشبرد طرح‌های احیاء بهره جوید. لذا تحقق پذیري این روند از طریق دخیل نمودن مردم در فرایند مشارکت و در نتیجه حفظ و نگهداری بافت با ارزش تاریخی، توسط اهالی امکانپذیر است که این نوع مشارکت تاثیرات زیادی نیز بر اهداف پروژه، پذیرش آن از سوی مردم، کیفیت اجرا و هزینه طرح خواهد داشت.

واژگان کلیدی: مشارکت، طرح‌های احیا، بافت تاریخی، تحقق پذیري

۱) استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان ۲) استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

۱- مقدمه

با افزایش رشد جمعیت شهری در کشور، شهرها به ویژه شهرهای بزرگ با مشکلات زیادی روبه رو شده اند؛ یکی از مهم ترین مشکلات، بافتهای فرسوده شهری میباشد. این بافتها در اغلب موارد، هسته اولیه و اصلی شهرها را تشکیل میدهند و جزو میراث فرهنگی و تاریخی شهرها محسوب میشوند که ماهیت ویژه شهر کهن و بافتهای شهری فرسوده، هرگونه بی توجهی به آن را از جهات مختلف مردود میسازد، از جهت اقتصادی؛ چون دارای امکانات بالقوه ای اعم از زیرساختی و روساختی است؛ از جهت فرهنگی؛ چون خاستگاه شهر امروزی و یادگاری از فرهنگ و تاریخ پیشین است؛ از جهت اجتماعی؛ زیرا چه در صورت متروکه شدن و چه تراکم کاربریهای نامناسب، بخشی از جامعه و ضامن زندگی انسانها میباشد؛ از جهت کالبدی؛ چون با وجود همه فرسودگی هنوز دارای ارزشهای معماری و شهرسازی یکتایی است. در مجموع آن که حتی در صورت نبود ارزشهای بالقوه و بالفعل، سهم آن از گستره شهرها آنچنان در خور توجه است که نادیده انگاشتن آن منطقی نمی باشد، به همین دلیل حفظ، بهسازی کالبدی و توانمندسازی عملکردی این بافتها اجتناب ناپذیر است. از طرفی این بافتها، به تدریج کارکرد و حیات اجتماعی- اقتصادی خود را از دست داده اند که با از بین رفتن شرایط مناسب کالبدی، ساکنان پیشین آنها نیز به مناطق دیگر نقل مکان کرده و به جای آنها ساکنان جدیدی با ویژگی های اجتماعی- اقتصادی نسبتاً پایین تر در این نواحی سکنی گزیده اند که ساکنان جدید نه تنها به بهبود وضعیت مکان- زیستی خود کمکی نکرده اند، بلکه باعث بدتر شدن وضعیت آن نیز شده اند؛ بنابراین احیاء و توانمندسازی بافتهای با ارزش تاریخی جز با مشارکت همگانی شهروندان و ساکنان اصیل آنها و همکاری دستگاههای ذی ربط با مردم، امکان پذیر نخواهد بود؛ زیرا تجربه نشان میدهد که به کارگیری استعدادهای مردمی، موجب بروز ابتکارها و خلاقیتهایی میشود که در شرایط عادی تصور شدنی نیست.

در این میان سودمندی رویکردهای مشارکت جویانه و استفاده از مشارکت مردمی در پروژه های احیای این گونه بافت ها امری انکارناپذیر است و مشارکت مردم در امور شهرها به ویژه بافتهای فرسوده، نقش اصلی را در تحقق پذیری این طرحها ایفا مینماید. با توجه به آنچه ذکر شد، این نکته باقی میماند که مشارکت مردمی به معنی گردهم آیی و تشکل آگاهانه و خودجوش جمعی از شهروندان ساکن در یک محدوده، به منظور بهبود وضعیت زندگی به شیوه ای غیرانتفاعی و براساس آگاهیهای فردی و جمعی آنها، درکلیه مراحل طرح، نظارت و اجرا میباشد. به نحوی که این دخالت و درگیری داوطلبانه منجر به بروز ظرفیتهای و پتانسیلهای نهفته ی مردمی شده و آنها را با محدودیتهای و امکانات طرح در هر یک از مراحل آن آشنا ساخته و موجب تقویت اعتمادبنفس، افزایش روحیه، همکاری و همچنین همبستگیهای اجتماعی میشود. از طرفی قدرت رویارویی مردم با مسائل و مشکلات زندگی شهری نیز افزایش مییابد.

پژوهش حاضر میکوشد تا نشان دهد که روند مشارکتی موفق در طرحهای مربوط به بافت میباید، روندی سلسله مند و پویا باشد و به خوبی از قابلیتها و فرصتهای بافت در جهت پیشبرد طرح های احیا بهره جوید؛ لذا این مقاله برای دستیابی به هدف مذکور با تبیین اهمیت موضوع مشارکت و نقش شهروندان در امر احیا بافتهای با ارزش تاریخی، سعی در عملیاتی نمودن آن و ارائه راهبردهای کلی جهت تقویت نقش مشارکت در تحقق پذیری طرحها داشته و در این جهت با بررسی ضرورتها، منافع، معایب و نظریات مشارکت و بر پایه تجربیات و پژوهش هایی که در زمان حاضر پیرامون مشارکت به ویژه در بافتهای تاریخی مطرح گردیده، به تحلیل نمونههای موفق داخلی و جهانی خواهد پرداخت.

« گامهای نخست در خصوص احیا بافت قدیم شهرها را باید در اروپای غربی، به ویژه در کشورهای فرانسه و انگلیس به دلیل آغاز انقلاب صنعتی در آنها (دوره ۱۷۶۰-۱۸۲۰ و گسترش شهرنشینی پس از آن، جستجو کرد که به سابقه ی زیاد شهرها در این گونه کشورها، نسبت به کشورهای دیگر منجر شد. در واقع جنبش احیاء مراکز شهری بیش از ۱۵۰ سال در این کشورها سابقه دارد. این جنبش با فعالیت بارون.جی.هوسمان، شهردار وقت پاریس، برای مرکز این شهر دهه ی ۱۸۵۰ آغاز شد و با طرح لوکوربوزیه (دوره ۱۹۶۵-۱۸۸۷ با عنوان " شهر درخشان"، دهه ی - ۱۹۲۰ که خواهان فدا کردن بخش قدیمی پاریس با روش جایگزینی بناهای عظیم بود - اجرا و وارد مرحله ی جدیدی شد» (رهنما در ابراهیم زاده و ملکی، (۲۱۸: ۱۳۹۰: این در حالی است که در ایران، تا پیش از دوره ۱۲۶۷-۱۲۸۵) ه.ش) اقدامی در بافت کهن وجود نداشته و در مجموع به دلیل دگرگونیهای بسیار جزئی در شهرها، بافت تاریخی کهن بی معنا بوده است. اولین نقطه عطف در اوج مداخلات انجام شده در ایران از دوران پهلوی اول آغاز شد. نقطه عطف بعدی، دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ ایران و عراق می باشد که به دلیل شرایط ویژه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بافتهای کهن، به دست فراموشی سپرده شد. اما با پایان جنگ و بروز مشکلات بافت مرکزی شهرها، در دوران تدوین برنامه دوم، نقطه عطف جدیدی بوجود آمد؛ نخستین نگرش به بافت های قدیم در سال ۱۳۵۰ در بخش گردهمایی "مرمت بناها و شهرهای تاریخی"، شکل گرفت که در آن، مساله حفاظت و مرمت شهرها و بناها به عنوان عامل موثر در توسعه کشور مطرح شد. بعلاوه از اخیرترین مطالعات هم میتوان به "همایش بافتهای فرسوده شیراز"، ۱۳۸۹، اشاره کرد که به بررسی اصول بهسازی بافت فرسوده پرداخته شد و نتیجه این همایش رسیدن به مفهوم بهسازی مشارکتی بود.

از این رو در خصوص ساماندهی و احیا بافت های قدیم شهری، در ایران و کشورهای مختلف جهان، پژوهش های مهمی انجام شده است که از جمله آن میتوان به موارد زیر اشاره کرد: در شهر اصفهان، مداخلات به دلیل عواملی چون: فرسودگی تدریجی کالبدی، مهاجرت ساکنان بومی، نارساییهای خدماتی، افزایش فقر و نابهنجاری های اجتماعی، انجام گرفته است. این مداخلات با عنوان "طرح راهبری برای بهسازی محله جویباره" به هدف تنوع فعالیتها، ایجاد محورهای مورد نیاز، رونق خدمات مورد نظر، مطرح شده است که از طریق ایجاد محور فرهنگی و توسعه دو مرکز محله، بهسازی محیطی و تعریض معابر محقق گشته است. در شهر آلمان، برنامه ریزی بر اساس نیاز و مشارکت مردم، برای رسیدن به اهداف اقتصادی- اجتماعی، نگهداری ساکنان در بافت و حفظ ارزش های تاریخی بافت قدیم، در مقیاس شهر و منطقه تدوین شده است. هدف اصلی از مداخلات انجام گرفته، حفاظت از بافت کهن و بالا بردن معیارهای زیستی است (انتظاریزی و عربی، ۱۳۸۷: ۹).

اما امروزه برای مداخله در بافت های فرسوده توجه به برنامه ریزی مشارکتی تحت عنوان برنامه ریزی با مردم بجای برنامه ریزی برای مردم رهیافتی تازه، به شمار میآید. اگر چه بحث مشارکت عمومی در نوسازی و بهسازی شهری برای اولین بار در اواخر قرن ۱۹ توسط پاتریک گدس در انگلستان مطرح گردید و به دلیل خشکی نظام برنامه ریزی آن زمان، چندان مورد توجه قرار نگرفت لیکن از نیمه دوم دهه ی ۱۹۶۰ نظریه های متعددی در زمینه برنامه ریزی مشارکتی مطرح گردید. آرتور اسکفینگتون<sup>۱</sup> گزارشی تحت عنوان مردم و برنامه ریزی را برای دولت انگلستان تهیه نمود که طبق این گزارش عنوان گردید: برنامه ریزی باید منعکس کننده خواست مردم باشد و این امر تنها در صورت مشارکت آنان امکان پذیر است. در دهه ی ۱۹۷۰ مشخص شد، آن چه که اسکفینگتون مطرح میکرد، مکانیزم لازم برای سیستم برنامه ریزی انگلستان و سایر کشورها است تا

مشارکت عموم بتواند به طور موثر اجرا گردد. در نتیجه سیستمهای برنامه ریزی بر اساس نظریات اسکفینگتون تغییر یافت و سیستمهای آموزش برای مشارکت مردم در برنامه ریزی استفاده گردید (ضرابی و فریدطهرانی، ۱۳۸۹: ۳)

Arthur Skeffington ۱

۳

هرچند در این زمینه در کشور ما مطالعات محدودی انجام شده است، با این وجود یکی از این مطالعات، مطالعه ای است تحت عنوان "الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها"، که با حمایت سازمان شهرداریهای کشور صورت گرفت. در این مطالعه مباحثی در خصوص زمینه سنجی در الگوهای مشارکت، آگاهی، گرایشها و رفتارها در زمینه مشارکت، راهبردها و خط مشیهای برای مشارکت شهروندان در امور شهرها آمده است. همچنین در پژوهشی با عنوان "مشارکت مردمی در تهیه طرح های ساماندهی و توسعه شهری"، ۱۳۸۷، پس از بررسی جنبه ها و سطوح گوناگون مشارکت مردمی، ذکر شده که تحقق مشارکت در طرحهای شهری، نیازمند به کارگیری شیوههای مناسب و اجرای آن با توجه به شرایط گوناگون محیطی، اجتماعی و اقتصادی و بسترهای ایجاد شده است. در همین راستا باغبانی و محمدگنجی در پایان نامه خود با عنوان "مشارکت مردم در ساماندهی محیط کالبدی، گامی به سوی پایداری محیطی"، ۱۳۸۴، «یکی از ارکان مهم تجدید حیات شهری را مشارکت معرفی میکنند، که یکی از چهار رکن اساسی معرفی شده برای توسعه پایدار شهری میباشد. در این پروژه اعتقاد بر این است که حضور و مشارکت مردم در دراز مدت میتواند محیطی پایدار را نتیجه دهد و همچنین میتوان امیدوار بود اصلاح و نگهداری محیط با تکیه بر نیروی مردمی همواره به صورت یک چرخه تدوام مییابد» (کمالی خواه و نوروزی، ۱۳۸۹: ۲).

### ۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر در حوزه تحقیقات کاربردی میباشد و از آنجایی که هدف اصلی این تحقیق، ارزیابی جایگاه مشارکت در تحقق پذیری طرحهای احیاء بافتهای با ارزش تاریخی بوده است، بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه تجربیات و پژوهشهایی که در زمان حاضر پیرامون توسعه مشارکتی به ویژه در بافتهای تاریخی مطرح گردیده، به تحلیل و بررسی نمونههای موفق داخلی و جهانی به منظور دست یابی به راهبردهای عملی، پرداخته شده است. همچنین ضمن تبیین نقش شهروندان که عناصر اصلی سازنده هویت بافتهای تاریخی هستند، ضرورتها، منافع، معایب مشارکت و نظریات مشارکت بررسی گردید.

### ۴- بحث اصلی

#### ۱-۴ بافت تاریخی و چگونگی تحقق طرح های احیاء آن

«بافتهای تاریخی از مهم ترین بخشهای هویتی هر جامعه محسوب میشوند و پیدایش آنها پیرو اطاعت از ساختارهای اقلیمی و فرهنگی است» (فلامکی در کردوانی و موردغفاری، (۲۱: ۱۳۹۰) که در پی تحول در شیوههای زندگی و در پی تغییر نیاز به خدمات گوناگون، بافتهای کهن و قدیمی شهری بالندگی خود را از دست داده و دستخوش فرسودگی شده اند. «مراد از بافتهای فرسوده، محدودههای آسیب پذیر در برابر مخاطرات طبیعی میباشد که نیازمند برنامه ریزی و مداخله هماهنگ برای سامان یابی هستند. مشخصه این بافت ها ناپایداری و مجموعه ای از نارساییهای کالبدی، عملکردی، حرکتی، زیست - محیطی، اجتماعی- اقتصادی و مدیریتی است» (فلامکی در بیک محمدی و دیگران، (۳۹: ۱۳۸۹) امروزه این بافتها در محاصره تکنولوژی گرفتار شده اند، اما همچنان به جهت موقعیت و پتانسیل های فضایی- اجتماعی همچون نزدیکی به مرکز شهر، وجود عناصر با ارزش معماری، وجود نوعی حس تعلق در میان ساکنان اصلی آن، مورد توجه

هستند. از این رو دخالت در بافت قدیم به منظور احیاء و افزایش کیفیت زندگی در آنها، یکی از مسائل اساسی شهرها میباشد.

مهم ترین ابزار جهت تحقق احیاء بافت، اعتماد سازی نزد مردم است و مردم باید به عنوان بازیگر اصلی این عرصه، در تمامی مراحل کار حضور داشته باشند که برای بهره گیری از مشارکت و پویای اجتماعی مردم و رسیدن به شهری پایدار و مشارکتی، لازم است آنان را مورد تشویق و حمایت قرار داد یا به عبارت دیگر توانمند نمود. امروزه برنامه ریزی مشارکتی تحت عنوان برنامه ریزی

۴

با مردم به جای برنامه ریزی برای مردم و همچنین صحبت کردن با مردم به جای صحبت کردن در مورد مردم رهیافت و نگاهی با هدف و ورود به بافت های فرسوده است. به بیان دیگر مردم باید در تمام مراحل تصمیم گیری، سرمایه گذاری، مدیریت و بهره برداری از فضا به طور مستقیم دخالت داشته باشند، تا نسبت به فضایی که میخواهند سالها در آن زندگی کنند، احساس تعلق و وابستگی نمایند و نسبت به آن احساس مسئولیت کنند و از بودن در آن لذت ببرند؛ چرا که مردم از طریق مشارکت می آموزند، چگونه شهروند باشند و به چه شکل با یکدیگر تعامل یا روابط متقابل برقرار کنند؛ به دیگر سخن، حضور و مشارکت مردم میتواند، شهری پایدار و مشارکتی را نتیجه دهد.

#### ۲-۴ اهمیت بافتهای با ارزش تاریخی

شهر، بناها و فضاهای درون آن تنها مکان اقامت و زیست آدمیان نیستند، بلکه تجلی افکار، احساسات، فرهنگ و آداب و رسوم ساکنان آن نیز میباشد؛ و بدون شک تمامی ویژگیهای زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اقلیمی و انگارهای فرهنگی جامعه در بافت و سیمای معماری و شهرسازی آن نمود مییابد. در این میان بافتهای تاریخی کانون و هسته اولیه شهر بوده و قلب تپنده تاریخ و هویت آن محسوب میشوند و حکم گنجینههایی از خاطرات اجتماعی و شیوههای اندیشیدن و زیستن گذشتگان ما را دارند؛ از این رو اهمیت ارزشی فراوان می یابند.

کوچه پس کوچههای این بافتها مکان شکل گیری حوادث و اتفاقات تاریخی است که گاه زندگی و سرنوشت نسلی را تغییر داده اند، از همین روست که به اندازه همان رویدادهای تاریخی اهمیت مییابند. همچنین در دل بافت های کهن آثار معماری گرانبهایی با ارزشهای تاریخی و خصلتهای زیبایی شناختی خاصی وجود دارند که تکرار ناپذیرند و موجب غنا و افزایش کیفیت بصری این بافتها میشوند. به دلیل وجود این بافتهای تاریخی و ویژگیها و مشخصات متفاوت آنهاست که شهرهای ما هویت و شناسنامه ای متفاوت از یکدیگر می یابند؛ وگرنه بخش های جدید شهرها همان تکرار بی پایان واحدهایی شبیه به یکدیگر است که تقریباً در همه جا بدون تفاوت چندانی دنبال میشوند.

البته ارزش این بافتها صرفاً در بعد فرهنگی و تاریخی آنها نیست؛ بلکه بافتهای قدیم در شهرسازی معاصر نیز جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده اند. شهرسازی امروز مرکز تاریخی و بخش فعال و نوساز شهر را دو حقیقت مجزا و مقابل هم نمیبیند، بلکه آنها را دو ارگانیک زنده و مشخص میداند، با ساختارهایی غیر مشابه که مکمل یکدیگرند و میتوانند نیازهای متنوع و متفاوت شهرها را برآورده سازند (رضامقدم در احمدی و شهابی، ۱۱: ۱۲۸۷). در واقع حیات شهری طی صدها سال در بافت تاریخی در جریان بوده و میتواند باز هم ادامه داشته باشد؛ کما اینکه هنوز هم در بسیاری از شهرها این بافتها محل سکونت و معیشت هزاران نفرند.

به طور کلی دلایل اهمیت و ارزش بافتهای تاریخی را میتوان در موارد زیر خلاصه کرد:

- بافت قدیم با ارزش کالبدی، تاریخی و فرهنگی نهفته در خود بهترین نشانه هویت شهری است.
- مرکزیت همیشگی برای وحدت بخشی به تمامی پیکره شهر که ضامن زندگی روان و سالم شهری است.
- حیات و رشد بافت قدیم مانع فرسودگی شهر از درون و توسعه بی رویه آن میگردد.
- بافت کهن شهرها به دلیل جایگاه خود در مرکزیت شهر، یکی از بهترین محدوددها برای تمرکز خدمات تجاری، اداری، سیاسی و اقتصادی است (همان).

۳-۴ ضرورت احیاء بافت های با ارزش تاریخی

۵

ضرورت احیاء بافتهای با ارزش تاریخی را از دو منظر ارزش این بافتها و مشکلات و نارساییهای آنها، میتوان تبیین نمود. ارزش و اهمیت این بافتهای شهری ابعاد و دلایل گوناگونی دارد، که در زیر به مهم ترین آنها اشاره می شود:

ارزشهای معماری: در دل بافتهای تاریخی آثار معماری گرانبهایی، با ارزش های والای هنری و زیبایی شناختی وجود دارند که ضمن افزایش غنای بصری فضای شهری، ما را با شیوه های معماری و تکنیکهای ساخت، مصالح مورد استفاده و ملاحظات اقلیمی، مذهبی و... گذشتگان آشنا میکنند. این بناها در گذشته کاملاً هماهنگ با وضعیت خاص هر منطقه، قوم و مذهبی شکل میگرفته اند و از این جهت میتوانند به مانند مدرسه ای برای معماران امروز عمل کنند، تا دیگر این چنین شاهد تکرار ملال آور واحدهایی شبیه به یکدیگر در پهنه یک سرزمین نباشیم (احمدی و شهابی، ۱۳۸۷: ۱۱).

ارزشهای تاریخی: بخشهایی از بافتهای تاریخی محل شکل گیری حوادث و رویدادهای تاریخ گذشته یک کشور میباشند، وقایعی که گاه یک ملت و یک نسل را دگرگون ساخته اند؛ و امروزه این بافتها یادآور آن خاطرات و وقایع هستند. خاطرات و رویدادهای تاریخی در ظرف زمان و مکان خاص خودشان است که معنا و مفهوم میباند و بدون وجود هر یک از این دو، نیمی از وجود خود را از دست میدهند. از این رو برای حفظ تاریخ تنها ثبت زمان وقوع کافی نیست، بلکه حفظ مکان شکل گیری آن نیز، که همان بافتهای کهن شهرهاست، اهمیت دارد.

ارزشهای فرهنگی: شهر تنها محل اقامت و سکونت انسانها نیست، بلکه تمامی ویژگیهای زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اقلیمی و فرهنگی جامعه در بافت و سیمای شهرسازی آن نمود پیدا میکند. به واقع بافتهای تاریخی آینه تمام نمای زندگی نسلهای گذشته، آداب و رسوم، افکار و احساسات و ارزش های حاکم در آن روزگاران میباشند. اینها همان چیزهایی هستند که از آن در یک کلمه به عنوان فرهنگ یاد میشود و تفاوت در سیمای شهرها نیز ریشه در تفاوت فرهنگ مردمان سازنده آنها دارد. همین تفاوتهاست که هویت مشخص و منحصر بفردی برای هر شهر ایجاد میکنند و باعث میشوند از شهرهای دیگر متمایز جلوه کند.

ارزشهای شهرسازی: این بافتها جدای از آن که نقش مهمی در بازشناسی سبک و الگوی شهرسازی در دورههای گذشته دارند و میتوانند نکات بسیاری به شهرسازان امروز بیاموزند؛ خود نیز در شهرسازی معاصر جایگاه و اهمیت ویژه ای دارند. این بافتها با گذشت زمان مرکزیت فیزیکی و در مواردی اجتماعی و اقتصادی خویش را حفظ کرده اند و از این رو میتوانند موجب وحدت و یکپارچگی کلیه بخش های شهر شده و حیات و سرزندگی را از درون به کل شهر تزریق کنند. همچنین این بافتها امروزه نیز محل زندگی و اشتغال افراد بسیاری هستند و امکانات و پتانسیل های بالقوه ای برای جذب جمعیت رو به رشد شهرها و پاسخگویی به نیازهای روزمره آنها دارند. استفاده از این ظرفیت مانع رشد بی رویه شهرها در حاشیه و اتلاف سرمایه های اقتصادی، امکانات زیربنایی و... میگردد.



علیرغم ویژگیهای تکرارناپذیر و خصوصیات با ارزشی که برای مکانها برشمرده شد، متأسفانه در حال حاضر این بافتها با مشکلات عدیده ای روبرو هستند که تنها در فرسودگی و عدم استحکام کالبدی ساختمانها خلاصه نمیشوند؛ هر چند فرسودگی فیزیکی، هم علت و هم معلول بسیاری از نابسامانیهاست. عمده ترین مسائل بافتهای قدیمی نیز به قرار زیر میباشند:

-مسائل جمعیتی و اجتماعی: جایگزین شدن ساکنین اصلی و مالکان با افشار کم درآمد و مهاجر، کاهش حس تعلق به مکان و افزایش ناهنجاریهای اجتماعی؛

-مسائل کارکردی: از دست رفتن کارکرد مسکونی بافت و تبدیل ساختمانها به کارگاه و انبار؛ -مسائل اقتصادی: کاهش قیمت زمین و ساختمان به دلیل کمبود خدمات، فرار سرمایه و رکود ساخت و ساز؛

۶

-مسائل ارتباطی و دسترسیها: گذرهای باریک و پر پیچ و خم و فقدان دسترسی سواره؛ -مسائل زیرساختی: فرسودگی شبکههای تأسیسات شهری؛

-مسائل زیست محیطی: ورود جریان فاضلابهای خانگی به شبکه معابر و گسترش انواع فعالیتهای آلاینده؛ (همان: ۱۲) -مسائل کالبدی: قدمت زیاد، مصالح کم دوام، ریزدانگی بافت، گسترش سطوح مخروبه و متروک و ظهور تک بناهای

ناسازگار با ارزشهای تاریخی،...؛ که بدون شک حل مسائل کالبدی و استحکام بخشی به بناها بدون توجه به سایر مشکلات بافت امری بیهوده و ساده انگارانه خواهد بود.

از سوی دیگر دنیای امروز به این حقیقت رسیده که بافتهای تاریخی سرمایه ای تکرار نشدنی است و سعی کرده از کوچکترین نقطه قوت در این زمینه برای از بین بردن بزرگترین ضعفهای موجود استفاده کند. در چنین دیدگاهی، بافتهای قدیمی دیگر مکان فرسوده، متروک و مزاحم نیستند. بلکه حاصل سرمایه گذاری و ترکیبی از نیروی انسانی، مواد و مصالح گوناگون و از همه مهمتر تجربههای شهرسازی و معماری گذشته میباشند، که به رغم گذشت زمان و فرسودگی، هنوز هم بالقوه پاسخگوی بسیاری از احتیاجات روزمره زندگی هستند و با سرمایه گذاری در جهت حفظ و تقویت عناصر و فضاهای قابل نگهداری و در موارد لزوم ایجاد تغییرات و معاصرسازی آنها به منظور کارآمدسازی و پاسخگویی به احتیاجات جدید، میتوان از اتلاف سرمایههای کشور جلوگیری کرد؛ و به جای گسترش شهرها در حاشیه، تأسیسات و تجهیزات جدید را به درون بافتها برد. در این صورت ضمن جلوگیری از فرسایش بیشتر، میتوان از امکانات بالقوه ای که برای جمعیت پذیری دارند به نحو مطلوبی استفاده نمود (همان: ۱۳).

۴-۴ تحقق پذیری

با توجه به تحقق پذیری اندک و عدم موفقیت مداخلات در اکثر طرحهای احیاء بافتهای با ارزش تاریخی در کشور ما، نیاز به واکاری دلایل این مسئله احساس میشود. می توان گفت که از میان دیدگاههای مطرح شده در مورد نقش دولت در طرحهای شهری از سال ۱۹۵۰ بدین سو، همواره دو نگرش به عنوان مرز تغییر این دیدگاهها و نقش دولت در زمینه مسائل شهری، در نوشتارهای شهرسازی اهمیت یافته اند. یکی از این دو نگرش، سیاست فراهم کننده بوده که تا سالیان اخیر مجرای مداخله در بافتهای فرسوده بوده است؛ لیکن به علت بروز مشکلاتی ناشی از این نوع سیاست در زمینههای اجتماعی و فرهنگی، میزان رضایت مردم و نیز ویکرد رایج به کاهش تصدی گری دولت در چند سال گذشته، و... افزایش پیدا کرده است. این نگرش دوم، هم

سو با سیاستهای نظام مبنی بر مشارکت مردم در همه زمینهها وارد فرهنگ شهرسازی کشور شد. یکی از مفاهیم بنیادین در الگوی طرح های ساختاری- راهبردی موضوع تحقق پذیری است؛ یعنی مطالعات و پیشنهادها طرح باید در مسیر و چارچوب موضوعات و محورهای صورت گیرد که در عمل بیشترین قابلیت امکان را برای اجرا و تحقق داشته باشند. بدین خاطر بخشی از مطالعات پایه در تهیه ی طرحهای توسعه و عمران به مطالعات امکان سنجی اختصاص مییابد.

به طور کلی سنجش تحقق پذیری طرحها و برنامههای پیشنهادی براساس دو شاخص تاثیرگذاری و کفایت انجام می شود. منظور از تاثیرگذاری این است که اقدامات انجام شده تا چه میزان در جهت اهداف مورد نظر عمل میکنند؛ و مفهوم کفایت برای آن است که میزان تاثیرگذاری تا حد لازم و کافی در نظر گرفته شود. در زمینه تحقق پذیری و نقش مردم در این مقوله، میتوان گفت که در کشور ما همواره دولت و ارگانهای ذی ربط بیشتر انتظار مشارکت اقتصادی از مردم دارند و بدین ترتیب از پتانسیل های موجود در مراحل تصمیم گیری و طراحی و حتی اجرا کمترین استفاده را میکنند. بر این اساس میتوان چهارگونه برنامه

۷

ریزی را مطرح ساخت که به طور کلی دو روش نخست، را میتوان در دیدگاه فراهم کننده و دو روش بعدی را در دیدگاه یاری رسان دسته بندی کرد:

۱- برنامه ریزی برای ساختمان: هدف نهایی در آن، صرفا ساختمان و زیباسازی آن است.

۲- برنامه ریزی برای مردم: شهرسازان در جایگاهی بالاتر از مردم، برای آنها تصمیم گیری میکنند.

۳- برنامه ریزی به وسیله مردم: در این رویکرد، مردم با واگذار شدن اختیارات به آنها، در واقع چونان شهرساز هستند.

۴- برنامه ریزی با مردم: مردم و شهرساز هر یک در جایگاه خود هستند و شهرسازی از طریق مشارکت دو طرفه صورت میپذیرد ( ادیب زاده و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۴)

#### ۵-۴ مشارکت

مشارکت میزان درک عمومی نسبت به موضوعات را از طریق توجه و درگیری آنان در مسائل افزایش می دهد. مشارکت همچنین با دخیل نمودن سطح وسیع تری از علایق و جستجو نمودن راه حل های عام تر، تصمیم سازی را اصلاح کرده، بهبود میبخشد. (Wang, Wan Wart, 2007, p266) کمیسیون اسکفینگتن در انگلستان نیز مشارکت را چنین تعریف میکند: «مشارکت به نظر ما سهیم شدن مردم در تدوین سیاستها و پیشنهادهاست. دادن اطلاعات از طرف مسئولان و امکان اظهار نظر در مورد آن اطلاعات، به هر حال بخش مهمی از فرایند مشارکت به شمار میآید، اما تمام ماجرا نیست. مشارکت به اندازه گفتگو اقدام را نیز در بر میگیرد. مشارکت کامل فقط در جایی تحقق مییابد که مردم بتوانند نقش فعال در فرایند تهیه طرح بر عهده بگیرند» (هویی زن در برک پور و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۳۷) و در مفهوم گسترده مشارکت، به معنای گسترش حساسیت مردم و در واقع به معنای افزایش درک و توان آنان در پاسخگویی به طرحهای توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی تعریف کرده اند (سام ارا در ادیب زاده و دیگران، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۵)

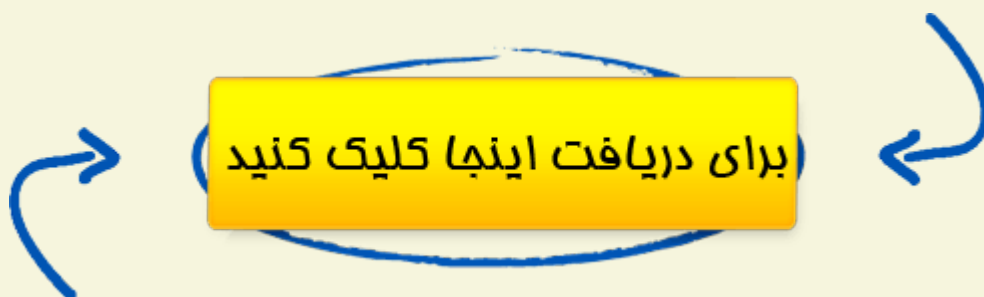
شری ارنشتاین به ساده ترین شکل، مشارکت مردمی را قدرت شهروندان میداند (Arnstein)، در برک پور و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۳۷) سانوف معتقد است که مشارکت مردمی به معنای همکاری مردم در دنبال نمودن اهدافی است که خود آن تعریف کرده اند (Sanoff)، در همان). و در فرهنگ شهرسازی رابرت کو آن نیز تعریف



مشارکت مردمی اینگونه آمده است «هر فرایندی که در آن مردم عادی در روند تغییرات شهری دخیل گردند» (Robert Cownd، در همان).

۱-۴-۵ اهداف مشارکت

- رسیدن به توسعه پایدار و برقراری عدالت اجتماعی
- تقویت شبکه‌های اجتماعی محلی
- ایجاد علاقه و اعتماد در مردم برای توسعه و پیشرفت
- تقویت همبستگی اجتماعی و روحیه همکاری و همدلی
- تقویت حس تعلق به محله و محیط مسکونی
- آموزش و انتقال اطلاعات متقابل میان طراحان و مردم
- ایجاد شهروند مولد که از حالت مصرف کننده صرف خارج شده و در اصلاح محیط پیرامون شرکت جوید
- بازگردان مستقیم منافع طرحها به ساکنین اصلی بافت
- بازیابی هویت تاریخی و ساختار قومی و جمعیتی بافتهای کهن



مقالات مرتبط

- [دانلود مقاله نقش زبان الگو در بایرداری اجتماعی](#)
- [دانلود مقاله بررسی تزیینات در خانه بروجردی ها](#)
- [دانلود مقاله بررسی نقش نمادین اعداد در معماری معاصر ایران](#)

از این سایت ها نیز دیدن نمایید

- [ترنس لاین ، مرجع مقالات تخصصی فارسی ایران](#)
- [گت پیپر ، منبع مقالات انگلیسی و فارسی](#)
- [دانش رسان ، بیش از 1.5 میلیون مقاله فارسی](#)